

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بانوی اسلام انا اعطيتك الكوثر . فصل لربك وانحر ان شانك هو الابرار (سورة كوثر)

سخن همه جا از فاطمه است پیشوای زنان جهان و دخت عقیق پیامبر اسلام ، بانویی که پیکرهٔ فضیلت است و نمونهٔ ایمان و معرفت- چراغی که در مهبط وحی والهام الهی شعله کشیده و کانون خاندان ولایت و رسالت را گرمی و فروغ بخشیده است

مشکوة نورالله جل جلاله زینتوۃ عم الوری برکاتها

این شمع فروزان که از پایگاه نور افشان هدایت خداوندی برخاسته بر بهمنهٔ تاریکی پرتوافکنند که سیاهی دل تازیان نادان و متعصب گورستانی و وحش از خوابگاه دخترکان قربانی شده پدید آورده بود و آخرین نفس دوشیزگانی بیگناه در کام مهیب قبر بند میآمد و چراغ حیات سراسر آرمانشان در برابر طوفان غیظ و جهل پدران، خونخوار فرو میبرد و اذالموقدة سئلت بای ذنب قتلت» (۱)

فاطمه آمد که با چهره ملکوتی خویش قیافهٔ حقیقی زن را نشان دهد و ارج و مقدار عنصر عزیزی را که محور حیات خاندانهاست بشناساند
فاطمه (ع) قبل از هر چیز پاك بود پاك از هر آلودگی و منقصت و میرا از هر بلیدی و گناه ، این ارادهٔ خدای بود عزوجل که دامان فاطمه از غبار معصیت منزّه بماند و چهرهٔ درخشانش را که تجلی گاه روحانیت است سیاهی گناه نیالاید

انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً (۲)

زهر و فرزندان نیکو نهادش به مشیت یزدانی از بلیدیها بدورند و روان و پیکر شان پاك و پاکیزه است این خاندان حق پرست و پرهیزگار مرکزیت راهنمونی و سعادت انسانها را تشکیل دادند و برقی از خرگام جلالتشان بدرخشید که خرمن ناستودگی را بسوخت و بشریت را به تعظیم آستان کبریائی و برستش ذات هستی بخش خداوندی بخواند و بایک تجلی خیره کننده طومار تاریکی جهل و انحراف را درهم نوشت و نام

بزرگ یزدانی را در خانه‌ای که فرودگاه الهام آسمانی بود از خاک بست به سپهر بلند ارتفاع داد

فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمہ سبح له فیها بالغد ووالاصال (۱)
همین حقیقت بود که فاطمه را در پیشگاه خدا و پیامبر عزیز میداشت و خشم و رضای او سخط و خشنودی خدای را بر میانگیخت که او حبیبۀ خدا بود و برگزیده در گاهش چنانکه پیامبر بدخت گرامیش فرمود .

ان الله یغضب لغضبک ویرضی لرضاک

او یارگار پیامبر بود که شجره نبوت را قدرت داد و شاخه‌هایی پر بار و برومند از ریشه حیاتش جوانه زد که همه جهان را بزیر سایه کشید و کام انسانیت را از حلاوت نمرات سعادت زای خویش شیرین ساخت و علیرغم دشمنان ابر-کوثری از قله جلالش برخاست که جوئیاران مصفایش برای همیشه همه تشنگان زلال هدایت را سیراب ساخت پس حق داشت که رسول اسلام این شاخسار پر نمر را که از شجره طیبۀ نبوت نیرو گرفته پاره پیکر خویش بداند و بگوید

فاطمة بضعة منی وهی قلبی وروحی الی بنی جنبی فمن آذاها فقد آذانی

ومن آذانی فقد آذی الله (۲)

زهرای بزنان جهان آبروداد و بانها درس زندگی و عفاف آموخت و آنسان در راه خدمت بدین و آئین یکتا پرستی فداکاری کرد که نام خود راهمراه با احترام و افتخار در زمره اولیاء بزرگ خدا برای همیشه باقی گذارد و رفتار آموزنده‌اش بصورت اسوه حسنه‌ای برای اجتماع زنان عالم درآمد

فاطمه بانومی خدا پرست و به حقیقت مؤمن بود در تاریکی شب و روشنایی روز در برابر خدا میایستاد و هاله‌ای از روحانیت عارض آسمانیش را فرا میگرفت و به تسبیح ذات یگانه‌ای که موجد جهان هستی است می پرداخت و خاشعانه خدای یگانه را محمدت میگفت و آنچنان در اقیانوس عظمت کبریایی فرو میرفت که خویش را از یاد میبرد و موجی از ایمان بحق سرپایش را فرامیگرفت

فاطمة ملاء الله قلبها وجوارحها ایماناً (۳)

ولی بیاد خلق خدای هم بود و لحظه‌ای از خدمت به بندگان پروردگار باز نمی ایستاد و میکوشید که دل‌های دردمندان را آرامش بخشد و دل‌های مضطرب را آسایش دهد

پس کرده نانی را که بادت خویش ساخته و بخته بود از سفره افطار بر میداشت و بگرسنگان ایشار میفرمود و فرزندان پاکیزه گوهرش نیز باین خدمت و عبادت تاسی می‌جستند و خدای هم در ستایش چنین خاندانی میفرمود

و يطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً (۱)

روشنترین صحنه فعالیت ارجدار فاطمه محیط خانه بود خانه‌ای که آرایش گناه و کینه و اختلاف در آن راه نداشت و فاطمه بآن بیت الشرف مقدس زینت داد و آنرا به حسن اهلیت و اصالت ممتاز خویش رونق بخشید و بصورت کانونی از خداپرستی و تقوی در آورد

و اذ کرن ما یتلی فی نیتکن من آیات الله و الحکمة ان الله کان لطیفاً

خبیراً (۲)

بی‌جهت نبود که سیده النساء العالمین لقبش دادند و حبیب‌خدا و رسولش خواندند و از حسن پرستاری و مراقبتی که درباره پدر عالیقدرش بجای می‌آورد امیهایش گفتند فاطمه‌را زیباییهای مردم فریب دنیا و جلوه‌های ناپایدار جهان نفریفت نه تشمیع طـلا و جواهر و نه زیبایی و نرمی جامه‌های حریر و نه رفعت ایوانهای برنقش و نگار هیچکدام ارز و عرضه آنرا نداشت که در روح بزرگ زهرا اثر گذارد و میلش را برانگیزد او جمال و جلال را در روحانیت و عفاف و تقوی و خدمت بشوهر و تربیت فرزند میدانست بهمین جهت پیراهنی خشن از کر باس می‌پوشید و شخصاً به تمشیت امور خانه میپرداخت و لباس فرزندان خود را بدست خویش می‌رشت و میبافت و چادری که از لیف خرما وصله داشت بسر میکشید و بیامبر هم در باره‌اش میفرمود .

رحم الله فاطمة لیكسوها اللهم من کسوة الجنة و لیحلینها من حلیة الجنة (۱)

بانوی اسلام که خدایش بهمسری علی(ع) قائم جهان عدل و ایمان برگزیده بود همیشه و همه جا شوهر مجاهد و بزرگوار خویش را حمایت و تقویت میکرد و در مهالك و مصائب همراه و همگامش بود و در جلب رضای خاطرش میکوشید و از سوی دیگر فرزندان در دامان تربیت خود پرورش داد که راهنمایان طریقه توحید و پیشوایان جهان انسانیت بودند و پروردگار بخشایشگر هم بر طبق وعده‌ای که بر رسول گرامیش داد دودمانی گسترده و آزاد و باایمان و مجاهد از ذات فاطمه ایجاد کرد که در همه جوامع اسلام چون نقطه‌های درخشانی جلوه دارند و هر روز بر توج این دریای موج افزوده

میشود و دنیا را از نعمت طراوت و صفای ایمان بهره‌مند میسازد پیامبر هم مزد رسالت خویش را دوستی اهل بیت پاک نبوت دانسته و از همه بیرون اسلام رعایت مودت و احترام آنها را بامر پروردگار خواسته است

قل لا اسئلكم عليه اجراً الا المودة فی القربى (۱)

باستناد همین خواست واقعی و محتوم دوستان فاطمه در ممشای ایمان و عمل صالح قرار دارند و از بهره نجات برخوردارند و مودتی که همراه با متابعت روش رسول و خاندان اوست رهایی از آتش خشم خداوندی را به همراه دارد پس فاطمه و دوستان او و فرزندان او از شر آتش نیران بدورند.

چنانکه پیامبر فرمودانی سمیت ابنتی فاطمة لان الله عزوجل فطمها و فطم

من احبها من النار (۲)

امید آنکه جامعه نسوان ما گام در راه فاطمه (ع) گذارد و کامیابی و سلامت و سعادت خویش را در پیروی از رفتار پاک او بداند و با پرورش فرزندان پاک نهاد مدینه فاضله‌ای بوجود آورد و خدای بزرگت وجود زهرای مرضیه اجتماع ما را از آتش نفاق و فساد و شرار مهیب دوزخ نکه‌دارد و همه ماسمادت دو جهان عنایت فرماید

فخرالدین حجازی

بمنه و کرمه